



A new approach to the governance model of Shah Abbas I; Appearances and backgrounds

Hasan Allahyari * 

*Assistant Professor, Department of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. E-mail: hasanallahyari@pgu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 16Febr 2022

Received in revised

form: 27May2022

Accepted: 6July 2022

Published online: 22Dece2022

Keywords:

Shah Abbas I,

Leadership Model,

Emotional Intelligence, Shah

Ismail II,

Social Background .

ABSTRACT

The prominence of the actions of some political leaders in history is a phenomenon that cannot be fully analyzed by relying on individual abilities. What adds to the importance of this issue is successful governance in youth when one does not yet have much experience. Accordingly, the following research seeks to explain the emergence of emotional intelligence in the successful rule of Shah Abbas I Safavid in his youth and then to examine the grounds for constructing his rule. This research has been done by descriptive-analytical method and relying on library study. The results of this study show aspects of the emergence of emotional intelligence in the successful rule of the Shah such immediate understanding of society and the discovery of neglected elements and attention to the implementation of social justice, spiritual openness to society and a correct understanding of the environment. This framework is the product of modeling the political and social context of the Shah's childhood and adolescence and the reproducing the collective memory of Iranian society of the short but significant life of Shah Ismail II and the riots of his father's era. In fact, the set of developments of the reign of the father and the social behavior of Shah Ismail II and its positive feedback in the society, part of which appeared in Ismail Mirza's false movements, strengthened the comprehensive understanding of the target society in teenage King and became his role model. Make him successful.

Cite this article: Allahyari, Hasan (2022). A new approach to the governance model of Shah Abbas I; Appearances and backgrounds. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16, No31 Pages 1-25.

DOI. 10.22111/JHR.2022.41644.3340



© The Author; Hasan Allahyari,

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI. 10.22111/JHR.2022.41644.3340

رهیافتی نو به الگوی حکمرانی شاه عباس اول؛ زمینه‌ها و نمودها

حسن الهیاری^۱ 

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. رایانامه: mehdi.dh82@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

برجستگی کنش برخی رهبران سیاسی در تاریخ پدیده‌ای است که تکیه بر توانایی‌های فردی نمی‌تواند به طور کامل آن را تحلیل نماید. آنچه بر اهمیت این مساله می‌افزاید حکمرانی موفق در دوران جوانی است که هنوز واجد تجربه بخصوصی نیست. بر این اساس پژوهش حاضر در پی آن است تا نسبت میان هوش هیجانی و الگوی حکمرانی شاه عباس اول را بررسی نماید. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج این تحقیق، نشان می‌دهد هوش هیجانی نقش موثری در حکمرانی موفق شاه عباس داشته است. این عامل موثر، خود محصول الگوگیری از بافت سیاسی و اجتماعی دوران کودکی و نوجوانی شاه عباس و بازتولید خاطره جمعی جامعه ایران از حیات کوتاه اما معنادار شاه اسماعیل دوم و آشوب‌های عصر پدر خود، شاه محمد خدابنده، بوده است. نتایج این تحقیق ابعادی از بروز هوش هیجانی در حکمرانی موفق شاه مانند درک بی‌واسطه از جامعه و کشف عناصر نادیده و توجه به اجرای عدالت اجتماعی، گشایش روحی در قبال جامعه و درک درست از محیط پیرامون را نشان می‌دهد. در واقع مجموعه تحولات عصر پادشاهی پدر و رفتار اجتماعی شاه اسماعیل دوم و بازخورد مثبت آن در جامعه که بخشی از آن در جنبش‌های اسماعیل میرزاها دروغین بروز یافت توانایی همه جانبه درک جامعه هدف را در شاه نوجوان تقویت و به الگوی عمل وی بدل نمود.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

واژه‌های کلیدی:

شاه عباس اول،

مدل رهبری،

هوش هیجانی،

شاه اسماعیل دوم،

زمینه اجتماعی.

استناد: حسن الهیاری (۱۴۰۱) رهیافتی نو به الگوی حکمرانی شاه عباس اول؛ زمینه‌ها و نمودها، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۱، ص ۱-۲۵.

DOI. 10.22111/JHR.2022.41644.3340

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

© نویسندگان. حسن الهیاری



مقدمه

یکی از مسائل قابل طرح در پژوهش‌های تاریخی، بررسی علل موفقیت‌های چشمگیر برخی کنشگران سیاسی در امور مربوط به جایگاه خویش با وجود سن کم است. این بررسی در قیاس با دیگر کنش‌گران معاصر و مقارن با پدیده‌های مورد بررسی به‌خوبی به چشم می‌آید. از جمله این موارد می‌توان به شاه‌عباس اول صفوی (۹۹۵-۱۰۳۸ ق. ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م.) اشاره کرد. او به‌عنوان پادشاه زمان خود توفیقات سیاسی - نظامی قابل توجهی کسب نمود. «شاه نوجوان ایران» (حسینی جنابدی، ۱۳۷۸: ۶۶۷) با وجود «حدائث سن» (منشی، ۱۳۳۴: ۱۱۰/۳)، ضمن توفیق در آرام ساختن فضای داخلی قلمرو خویش به آن‌چنان پیروزی‌هایی در بعد خارجی دست یافت که هرگز پیشینیان و جانشینان او بدان دست نیافته بودند. حاصل این موفقیت‌ها نیز نجات صفویان از بحرانی بود که می‌رفت تا به سقوط آنها بیانجامد. آنچه در این بین حائز اهمیت است کسب موفقیت‌های نسبی در سنین جوانی برای او بود. همین دو اشاره حسینی جنابدی و اسکندریگ منشی ضمن تعیین رهیافت این پژوهش، به‌خوبی نشان می‌دهد برای جامعه آن زمان و به‌خصوص مورخان، این مساله به‌نوعی چالش ذهنی بدل شده بود. اگر در تحلیل این موارد برجستگی‌های آنها تنها به هوش شناختی نسبت داده شوند بیم آن می‌رود که به‌سوی فردگرایی رفته و نقش مؤثر جامعه و محیط نادیده گرفته شود. نمونه‌هایی از این دست را می‌توان در نظریه «قهرمان در تاریخ» کارلایل^۱ پیگیری نمود که عامل پیش برنده تاریخ را افراد بزرگ می‌داند. پلخانف^۲ نیز معتقد به نقش شخصیت در تاریخ بود. هگل^۳ و مارکس^۴ نیز معتقد بودند قهرمان، عصر خودش را فعلیت می‌بخشد (کار، ۱۳۷۸: ۸۸؛ پلخانف، ۲۵۳۷: ۱۲۲). این در حالی است که جدیدترین نگرش‌ها در حوزه علوم انسانی اصالت را یا به جامعه می‌دهد و یا قائل به‌نوعی دیالکتیک فرد و جامعه است.

از طرفی در تحقیقات چند دهه اخیر حوزه روانشناسی و مدیریت، در تحلیل الگوی رهبری موفق و کارآمد، در کنار پذیرش اصل وجودی هوش شناختی^۵ تأثیر هوش‌های اکتسابی از جمله هوش هیجانی^۶ نیز مورد مذاقه قرار گرفته است. لذا این نظریه می‌تواند تا حدود زیادی فرآیند و بستر اجتماعی ساخت یک کنش موفق مبتنی بر هوش اکتسابی را تبیین نماید. به این ترتیب پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا به سؤال زیر پاسخ گوید: هوش هیجانی شاه‌عباس صفوی چه نسبتی

با الگوی حکمرانی و کامیابی سیاسی او به‌خصوص در سال‌های نخست سلطنت داشته‌است؟ فرضیه تحقیق این است که هوش هیجانی شاه‌عباس که محصول الگوگیری او از دوران حکومت شاه اسماعیل دوم و پدرش شاه محمد خدابنده بود در شکل‌گیری الگوی حکمرانی او در دوره جوانی و کامیابی سیاسی در همان سال‌های نخست حکومتش نقش مؤثری داشته‌است.

پژوهش حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر نظریه هوش هیجانی و با ابزار مطالعه کتابخانه‌ای انجام یافته‌است. شایسته توجه است که این پژوهش در پی دفاع از تمامی اقدامات کنش‌گر مورد بحث در طول دوران حکومت وی نیست بلکه بر آن است تا مدیریت موفق وی در بخشی از دوران حکومتش را تبیین نماید. همچنین لازم به ذکر است، گرچه مجموعه تحولات عصر شاه‌عباس اول در اشکال مختلف مورد مذاقه پژوهشگران مختلف قرار گرفته، هنوز پژوهش مستقلی مبتنی بر الگوی هوش هیجانی در باب آن انجام نشده‌است. این پژوهش در نگاهی وسیع می‌تواند رهیافت‌هایی نو را در مطالعات تاریخی ایجاد نماید. تنها در مقاله ارزشمند «تحلیلی بر بازتاب چرایی و چگونگی ابعاد و اعمال وجوه قدرت سیاسی شاه‌عباس در روایت‌های سفرنامه نویسان عصر صفوی» (۱۳۹۸) نویسندگان تلاش کرده‌اند تا مولفه‌های حکمرانی شاه‌عباس را از منظر سفرنامه‌های این عصر به تصویر کشیده و تحلیل کنند. با این حال نه‌تنها از ظرفیت همه منابع استفاده نشده بلکه با وجود بازتاب برخی مولفه‌های اقتدار او، نتوانسته‌اند منبع این الهام و کنش شاه‌عباس را تبیین نمایند.

مدل مفهومی

تعریف هوش هیجانی

اصطلاح هوش هیجانی از زمانی که وارد ادبیات روانشناسی شد تعاریف متنوعی را به‌دنبال داشت. جان مایر^۷ هوش هیجانی را مجموعه‌ای از توانایی‌های ذهنی می‌داند که به فرد کمک می‌کند تا با درک احساسات خود و دیگران، به توانایی تنظیم احساسات خویش موفق گردد (الدر^۸، ۱۳۸۲: ۵۵). به نظر استیو هین^۹ هوش هیجانی عبارت است از توانایی مهار عواطف و تعادل برقرار کردن بین احساسات و منطق به‌طوری که ما را به حداکثر خوشبختی برساند (استیو، ۱۳۸۴: ۱۱). در این بین، تعریف گل من جامع‌ترین تعریف از این نظریه و توصیف‌گر ارتباط آن با حوزه مدیریت

و راهبری است که عمدتاً مدنظر این پژوهش است؛ «هوش هیجانی مهارتی است که دارنده آن می‌تواند از طریق خودآگاهی، روحیات خود را کنترل کند، از طریق خود مدیریتی آن را بهبود بخشد، از طریق همدلی تأثیر آنها را درک کند و از طریق مدیریت روابط به شیوه‌ای رفتار کند که روحیه خود و دیگران را بالا ببرد.» (مشبکی، ۱۳۸۸: ۵۹).

مولفه‌های هوش هیجانی

بررسی نظرات برجسته‌ترین پژوهشگران در حوزه هوش هیجانی نشان می‌دهد مولفه‌ها و مهارت‌های این پدیده، به هم نزدیک و فاقد تفاوت‌های فاحش هستند. عمده صاحب نظران آن را در چهار یا پنج مورد مطرح نموده‌اند.^{۱۰} در مجموع مولفه‌ها و مهارت‌های معطوف به هوش هیجانی در دو طیف قابل بررسی هستند؛ مهارت‌های فردی و مهارت‌های اجتماعی. خودآگاهی به معنای آگاهی فرد از عواطف، هیجان‌ها و توانایی‌های خود توفیق در مدیریت شخصی را در پی دارد. لذا فرد ضمن توانایی برانگیختن و مدیریت هیجان و افزایش توان مواجهه با هیجان‌ها و تکانه‌ها به آن‌چنان رشد و بلوغ دست می‌یابد که در گامی بلندتر و با کسب آگاهی اجتماعی و شناخت هیجان‌های دیگران می‌تواند روابط با دیگران را تنظیم، کنترل و تقویت نماید (برادبری^{۱۱}، ۱۳۷۸: ۵۶). افراد دارای آگاهی اجتماعی توانایی کمک به رشد و بهبود استعدادها و توانمندی‌های خاص افراد زیر نفوذ خود را دارند. از تفاوت‌های دیگران به عنوان فرصت استفاده می‌نمایند و محیطی امن برای رشد و شکوفایی آنها فراهم می‌نمایند. خدمت مدار هستند یا به عبارتی راه‌های افزایش وفاداری و رضایت در دیگران را می‌دانند. دارای آگاهی سیاسی هستند و روابط کلیدی قدرت در گروه و نیروهای تغییر دهنده عقاید افراد و شبکه‌های اجتماعی مهم، را می‌شناسند. مهارت‌های مدیریت تغییر دارند به این معنا که این افراد موقعیت تغییر و حذف موانع را تشخیص می‌دهند و طرفدار مشارکت دادن دیگران در فعالیت‌های خود هستند. از تاکتیک‌های نفوذ مؤثر برای متقاعد کردن دیگران استفاده می‌نمایند. آنچه در پایان این بخش شایسته تأکید است اینکه به نظر محققان، هوش هیجانی به شکل عمده اکتسابی است و مجموعه آموزه‌های دوران کودکی و نوجوانی نقش به‌سزایی در تعیین عادت‌های هیجانی اساسی زندگی آینده فرد ایفا می‌کنند (گلمن، ۱۳۸۹: ۲۰-۳۰۴). بر همین مبنا در این پژوهش روزگار کودکی و نوجوانی شاه‌عباس، در جستجوی یافتن

زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت او تشریح شده‌اند تا بتوان به درکی درست از مدل حکمرانی او که حامل موفقیتی نسبی در سنی کم بود، رسید.

زمانه عباس میرزا؛ کانون شکل‌گیری هوش هیجانی شاه‌عباس

شاه اسماعیل دوم و روزگارش

شاه‌عباس صفوی فرزند شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ ق. / ۱۵۷۷-۱۵۸۷ م.) برادرزاده شاه اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴ ق. / ۱۵۷۶-۱۵۷۷ م.) و نوه شاه تهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق. / ۱۵۱۴-۱۵۷۶ م.) بود. دوران کودکی و نوجوانی او مقطعی پر تنش و حساس در عصر صفوی بود. وقتی شاه‌تهماسب اول از دنیا رفت شاید کمتر کسی گمان می‌کرد فرزند مغضوب او، اسماعیل میرزا بر اریکه قدرت تکیه زند. این فرد تقریباً نیمی از دوران زندگی خود را به‌عنوان یک رجل سیاسی مطرود، در زندان قهقهه در حصر گذرانیده بود. مجموعه حوادث به‌نحوی رقم خورد تا وی با حذف رقبا و جانشین از پیش تعیین شده تهماسب، حیدر میرزا، به مقام سلطنت دست یابد. دوران کوتاه سلطنت وی چند وجهه داشت. رویه نخست، قتل بسیاری از خاندان سلطنتی توسط اسماعیل بود که احتمالاً ریشه آن را باید در حصر طولانی مدت وی و عوامل آن بررسی نمود. رویه دوم دوران سلطنت او، جریانی است که می‌خواست عناصر ساختار وضع موجود را اصلاح نماید. اصلاحات او حوزه‌های سیاسی-اداری، مذهبی و اجتماعی را شامل می‌شد. گرچه عدم سازگاری وی با گفتمان غالب صفویان همراه با کوتاه بودن دوران حکومت او کمبود داده‌ها را به‌دنبال داشته، باز هم می‌توان تاحدودی این رویکرد را مشاهده نمود. تلاش برای پایان دادن به خودسری قزلباشان و صوفیان در راستای همین تغییرات سیاسی-اداری بود (روملو، ۱۳۸۴: ۱۵۲۷/۳؛ حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۲/۴۳؛ منشی، ۱۳۳۴: ۱/۲۰۸؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۴۴-۵۴۵). واقعیت آن بود که حبس اسماعیل میرزا نیز به‌نوعی محصول دخالت‌های همین گروه بود. گام دوم، تغییر در گفتمان مذهبی بود. براساس اشارات منابع، گویا رویکرد او پرهیز از افراط و اتخاذ راه میانه بود (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۱/۵۲؛ منشی، ۱۳۳۴: ۱/۲۱۶). هر چند این اقدامات برای شاه فوق‌نزد علما و قزلباشان بی‌هزینه نبود (منشی، ۱۳۳۴: ۲/۲۱۴). گام آخر از اقدامات وی که در منابع نمود بیشتری نیز یافته، تلاش در جهت نهادینه کردن عدالت اجتماعی و رعایت حال عامه بود. در جدول شماره ۱ برای پرهیز از

اطناب بہ مواردی از این دست در باب این شخصیت اشارہ شدہ است. آنچه شایستہ توجہ است آنکہ منابع عصر صفوی بیشتر دل در گرو گفتمان غالب داشتہ‌اند و نہ گفتمان زودگذر شاہ اسماعیل دوم. دیگر آنکہ این شواہد قابل توجہ، محصول کمتر از دو سال سلطنت شاہ اسماعیل دوم است.

موضوع	شواہد تاریخی
اجرای بی‌قید و شرط عدالت اجتماعی	تعقیب و قصاص حسام بیک ولد بیرام بیک قراخانی کہ نسبت قرابت از جانب مادر بہ دودمان صفوی داشت بہ جرم کشتن یک فقیر (روملو، ۱۳۸۴، ۱۵۴۰/۳؛ حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۶۴۹/۱).
اجتماعی	«... در ضمیر قرار داد کہ چون سلطنت بدو قرار یابد اول حاجت محتاجان برآورد و دفع ظلم از مظلوم نماید و ہر کس در ایام پدر جفا دیدہ باشد و محنت کشیدہ بہ لطف و کرم دل شکستہ او را درست سازد.» (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۴۱).
تقویت دادرسی عامہ	شاہ «مقدر فرمودند کہ در ہر ہفتہ دو روز نواب میرزایی و میرزا شکراللہ در ایوان عدالت.... نشستہ پرسش مردم نمایند» (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۶۲۴/۱؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۴۵).
تقویت مقام قضاوت در نواحی مختلف	«... چون شاہ سکندرشان را از قضات ممالک محروسہ و متصدیان امور شرعیہ و وقفیہ سوء خاطری بنا بر بی ملاحظگی ایشان واقع شدہ بود و بہ ہریک از بلاد ممالک محروسہ قضات و متصدیان شرعیات فاضل عادل می‌خواستند کہ مقدر فرمایند...» (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۶۲۵/۱؛ والہ اصفہانی، ۱۳۷۲: ۵۵۶).
شہرت بہ عدالت	تخلص عادلی در شعر و استفادہ از عبارت «ہوالعادل» در نامہ نگاری و انطباق وی با انوشیروان عادل (روملو، ۱۳۸۴: ۱۵۱۶/۳، ۱۵۱۸؛ حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۶۵۴/۲؛ منشی، ۱۳۳۴: ۲۰۷/۱).
حضور بی واسطہ در جامعہ	سنت شہرگردی (کوچہ‌ها، بازارها و کاروانسراها) (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۶۵۳/۲؛ منشی، ۱۳۳۴: ۲۱۸/۱؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۸؛ حسینی جنابدی، ۱۳۷۸: ۵۸۴-۵۸۵).

جدول شماره ۱: شواہد تاریخی رویکرد اجتماعی شاہ اسماعیل دوم

شاه اسماعیل دوم پس از کمتر از دو سال سلطنت به شکل مبهمی از دنیا رفت تا همچنان کنش وی در حاله‌ای از تردید و مورد مناقشه محققان بماند. با این حال حوادث بعدی در دوران سلطنت شاه محمد خدابنده بازتابی از رویکردهای او و واکنش مثبت و دیرپای جامعه به آن رویدادها بود.

بحران اسماعیل میرزاهای دروغین

پس از مرگ نابهنگام شاه اسماعیل دوم، محمد میرزا برادر وی به سلطنت رسید. کم‌بینایی وی به‌عنوان یک نقص جسمی شرایط را برای تثبیت در هسته تصمیم‌گیری صفویان فراهم کرد. نافذالفرمان شدن خیرالنسایبگم یا فخرالنسایبگم همسر وی و مادر شاه‌عباس بعدی در امور سلطنت پس از قتل پریخان خانم، خواهر مقتدر شاه، توسط قزلباشان، تنش میان قزلباشان و مادر شاه‌عباس و قتل فجیع وی توسط آنها، قتل میرزا سلمان وزیر اعظم توسط قزلباشان و بی‌اثری نقش شاه در بازدارندگی آنها (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۶۶۲/۲-۶۶۹-۶۸۰-۶۸۶-۶۹۰-۸-۶۹۵-۶-۷۴۵) بخشی از نشانه‌های بازگشت به وضعیت سال‌های ابتدایی حکومت شاه تهماسب است. وضعیتی که در آن قزلباشان حاکم بالفعل بوده و حکومت بازیچه دست آنها بود و دربار در مقابل تنش‌های درونی قزلباشان و قزلباشان با بدنه اداری که تاجیکان بودند عملاً بی‌اثر بود. یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اجتماعی مهم و دامنه‌دار در چنین اوضاع آشفته، بحران اسماعیل میرزاهای دروغین بود. این پدیده از سال ۹۸۸ ه. ق. آغاز شد و تا حدود پنج سال ادامه داشت. هسته فکری جنبش‌های فوق بر مبنای ادعای زنده بودن و رجعت شاه اسماعیل دوم بود که طیف قابل توجهی از جامعه زمان خود را به‌همراه داشت و در چهار منطقه کوه‌گیلویه، لرستان و چمچال، طالش و ایالت غور و فراه بروز یافت (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۷۰۷-۷۱۴؛ منشی، ۱۳۳۴: ۵/۱-۲۷۲). براساس نقل منابع مردم، در متن این پدیده هنوز ایده‌آل‌های خود را در دوره کوتاه مدت سلطنت شاه اسماعیل دوم می‌جسته‌اند. نقل نویسنده تاریخ عالم‌آرای عباسی و خلد برین گویای همین مدعاست. «مجملاً تا چهار پنج سال آغاز دولت نواب سکندرشان زمزمه و گفتگوی جناب اسماعیل میرزا بر زبان مردم بود.» (منشی، ۱۳۳۴: ۱/۲۷۵؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۶-۴۳۹). اشارات دیگری از کتاب خلد برین نیز نشان می‌دهد که جنبش‌های فوق به‌شکلی دامنه‌دار و مرتبط با هم و نشانگر مطالبه فراگیر جامعه بوده‌اند (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۴).^{۱۲} آنچه این جریان را معنادارتر می‌نماید

عدم انتساب مدعیان بہ فرقه‌های صوفیانه و گروه‌های قزلباش، فراگیر شدن آن در میان تاجیکان و محبوبیت یافتن میان کردها و لرہا، کسب حمایت تودہ‌های مردم و گسترش آن در مقیاس جغرافیایی گسترده‌ای از قلمرو صفویان است (Newman, 2006: 47).

راجر سیوری در تلاشی ارزشمند سعی کرده‌است تا این رویداد را کنشی صوفیانه در بستر مقام مرشدکامل در مقابل مقام پادشاهی تحلیل نموده آن را جنبشی بیشتر دینی بداند تا سیاسی. نشانه‌های مدعی او بہ شرح زیر هستند؛ کاربرد اصطلاح قلندر برای مدعیان، گسترش این پدیده در جوامعی کہ از آگاهی سیاسی کمتری برخوردار بودند و قتل فجیع و در ملا عام یکی از آنها کہ بہ زعم ایشان ویژگی خاص متہمان دینی در ادوار مختلف بودہ‌است (سیوری، ۱۳۸۰: ۲۵۰-۲۴۷). توجہ بہ این سلسلہ دلایل نشان می‌دهد سیوری نتوانستہ یکی از کلیدواژہ‌های اصلی این شورش‌ها را کہ انتساب مدعیان بہ شاہ اسماعیل دوم است تبیین نماید. همچنین او سعی دارد تا مفہوم قزلباش و صوفی را دو مسیر متفاوت ترسیم نماید حال آنکہ قزلباشان، کنش‌گران بستر تصوف بودند. ارتباط واژہ قلندر با جریان تصوف را نیز می‌توان یادمانی از جنبش‌های نجات‌بخشی در قرن پیش صفوی دانست نہ لزوماً تلاش برای احیای نظام مرشد کامل در دورہ شاہ اسماعیل اول. اشکال آشکار در این زمینہ این است کہ ادعای نسبت با شاہ اسماعیل دوم توسط اسماعیل میرزاہای دروغین کہ بہ ادعان سیوری ضد تصوف ہم بود با اصرار ہم بر صوفیانه بودن جریان، در تعارض است. گرچہ متون رسمی تاریخ‌نگاری صفویان با ساخت‌واژہ‌هایی منفی همچون «ہوس اسماعیل میرزائیت»، «ہوای بنگ»، «اہلہ طرار» و «نادانان صحرائی» (منشی، ۱۳۳۴: ۱/۲۷۳-۲۷۵؛ والہ اصفہانی، ۱۳۷۲: ۶۴۴) و انتساب آن بہ سران شورش و پیروان آنها در ضمن گزارش این واقعہ، سعی در تخفیف و تحقیر جنبش دارند، این ویژگی‌ها می‌تواند گویای نگرش اعتراضی تودہ‌های مردم نسبت بہ بازگشت بہ ساختار سابق باشد کہ کنش‌گران عمدہ آن صوفیان و قزلباشان بودند.

بازآفرینی کنش سیاسی شاہ‌عباس در آینہ دورہ عباس میرزایی

ہمان طور کہ اشارہ شد کودکی و نوجوانی شاہ‌عباس صفوی محصول یک دوران آشفته از مرگ تہماسب اول تا اواخر عہد پدر خود، شاہ محمد خدابندہ، بودہ‌است. کنشگر این آشفتگی نیز عمدتاً قزلباشان بودند. شاہ‌عباس از همان دوران کودکی (۲ سالگی) از پدر دور شد. او کہ متولد

هرات بود از همان کودکی به للگی شاهقلی سلطان یکان در هرات ماند (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۵۶۷/۱). در دوران حکومت پدر نیز در ظل حمایت و للگی مرشد قلی خان استاجلو در شهر دارالسلطنه هرات نشو و نما یافت. او وقتی به مقام شاهی رسید نوجوانی بیش نبود. وی گرچه در چند سال نخست سلطنت از للگی «مرشد قلی خان» تاج بخش شاه] و در میانه استاجلو بودن مکروه خاطر شریف بود اما به جهت صلاح دولت [ناتوانی در دفع او] رضا به آن داده بود» (منشی، ۱۳۳۴: ۳۸۱/۲). سرانجام شاه در فرصتی مغتنم با توجه به آشکار شدن خودسری مرشدقلی خان، به کمک سه نفر دیگر شبانه او را حذف می‌کند. «از آن پس، شاه کامیاب از روی استقلال تمام متوجه ممالک محروسه و امرا و لشکریان گشتند» (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۸/۲-۸۷۶). این حادثه را می‌توان نقطه عزیمت و بستر حکمرانی موفق شاه جوان دانست. از این پس شاه‌عباس جوان با آگاهی سیاسی و تشخیص روابط کلیدی، قدرت عمل قزلباشان را محدود و جریان صوفیه را کنترل و به جای آنها نیروی سوم شامل گرجی‌ها و چرکسی‌ها و ارمنی‌ها را وارد مجموعه حاکمیت نمود تا بی‌قید و شرط مجری اوامر او باشند. اتخاذ چنین رویکردهایی، به‌شکلی معنادار، معطوف به هدف و در نهایت منجر به کسب موفقیت‌های بزرگ در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای او و ایران شد. آنچه شایسته توجه است آنکه چنین موفقیت‌هایی که جزئیات آن در حوصله مقاله نیست در دوره نوجوانی و جوانی او رخ داده‌اند. بر اساس شواهد این پژوهش رفتار او در کسوت پادشاهی بازتابی از دوران کودکی او هستند. رفتارهایی که گویا عمدتاً تداوم کنش ناتمام شاه اسماعیل دوم بودند. این بحث را می‌توان در توصیف معنادار اسکندریگ منشی خلاصه نمود که شاه در عهد شباب به شیوه پیران فراخ حوصله عمل می‌فرمود (منشی، ۱۳۳۴: ۳۸۱/۲-۴۰۰). پس از بازسازی کودکی و نوجوانی شاه‌عباس، در ادامه تلاش شده‌است تا با تطبیق شواهد تاریخی با شاخصه‌های هوش هیجانی، نقش این پدیده در رهبری سیاسی شاه‌عباس اول بهتر و بیشتر تبیین شوند.

نمود شاخصه‌های حکمرانی موفق شاه‌عباس

سنت شهرگردی و درک بی‌واسطه از جامعه

یکی از مواردی که در متون تاریخی به آن اشاره شده سنت شهرگردی شاه‌عباس صفوی است. به نظر می‌رسد یکی از نتایج این رویکرد برای شاه، درک بی‌واسطه از جامعه برای ایجاد

همدلی و کسب آگاهی از لایہ‌های مختلف اجتماع بوده‌است. منابع متعددی بہ همین نکتہ اشارہ می‌کنند کہ شاہ برای کسب اطلاع بی‌واسطہ از مملکت خود با لباس مبدل بہ گردش در شہر می‌رفت. ماجرای کم فروشی نانوا و کباب‌پز و مجازات شدید آنها نیز در ذیل همین پدیدہ نقل شدہ‌اند (دلوالہ، ۱۳۷۰: ۴۷-۱۷۱، تاورنیہ، ۱۳۶۶: ۵۱۶، منشی، ۱۳۳۴: ۲/ ۴۷۴، منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۲۱). بہ نظر می‌رسد این رؤیا بہ‌شکلی گستردہ در ذہن زمانہ شاہ مذکور رسوخ کردہ بود. برای نمونہ، ملا جلال منجم در ضمن حوادث سال ۱۰۱۵ ق. ماجرای شایعہ ورود شاہ عباس بہ شماخی در کسوت کتاب‌فروشی بنام عباس و ہراس، واہمہ و دستپاچگی حاکم شہر را بہ‌شکلی معنادار و با ادبیاتی طنزگونہ توصیف می‌کند (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۱۲). حضور چشمگیر شاہ عباس در قصہ‌های عامیانہ در میان مردم خود ناظر بہ همین پدیدہ‌است.

محمد حنیف در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر قصہ‌های شفاهی مربوط بہ شاہ عباس صفوی» این موضوع را بہ‌خوبی مورد توجہ قرار دادہ‌است. براساس یافته‌های این تحقیق، از مجموع ۱۵۳ قصہ، ۱۵۰ مورد مربوط بہ شاہ عباس صفوی و سہ قصہ دیگر مربوط بہ شاہ اسماعیل و شاہ سلطان حسین می‌باشد. در مجموع این قصہ‌ها، تنها یک قصہ رویکردی منفی بہ شاہ عباس دارد و تمام ۱۴۹ قصہ دیگر شاہ عباس را بہ‌شکلی مثبت و موجہ معرفی می‌کند. تمامی این قصہ‌ها نیز در ارتباط با شاہ و تودہ‌های مردم شکل می‌گیرد (حنیف، ۱۳۸۷: ۶۱-۷۵). شاہ عباس بر مبنای همین درک از جامعہ با ابزارهایی بہ مدیریت جامعہ می‌پردازد. نمونہ‌هایی از این دست، بخشودگی مالیاتی مردم عراق عجم و اصفہان پس از فتح خراسان در سال ۱۰۰۷ ه. ق. و بخشودگی مالیاتی مردم اصفہان بہ مناسبت نوروز سال ۱۰۲۲ ه. ق. و اقدام بہ عمران و آبادی و دلجویی مردم تبریز پس از ویرانی ناشی از جنگ با عثمانیان در سال ۱۰۲۷ ه. ق بود (منشی، ۱۳۳۴: ۵۸۷/۲-۸۶۱، ۳/ ۹۳۸). شاہ حتی بخشی از وقت خود را بہ تفریح با اقشار مختلف جامعہ اختصاص می‌داد. برای نمونہ، در بازار بہ با جوانان اقدام می‌کرد و حتی موقع صرف غذا با زیردستان خود مسابقہ «دزد و عاشق» برگزار می‌کرد (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۳۱-۳۹۹). این اقدامات باعث شدند تا او را بہ شخصیتی مثبت در میان تودہ‌ها بدل نمودہ آنها را با سیاست‌های خود ہمراہ ساختہ واگرایی بخش‌هایی از جامعہ را بہ ہمگرایی مبدل سازد.

سنت شهرگردی و کشف ظرفیت‌های انسانی نهفته

براساس آخرین تحقیقات، اصلاحات شاه‌عباس راه را برای تحرک اجتماعی و اتخاذ رویکرد شایسته‌سالاری هموارتر کرد و زمینه‌ساز ترقی افرادی شد که دیده نمی‌شدند (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۱۶۸). حضور بی‌واسطه شاه در جامعه باعث شد تا بسیاری از استعدادهاى نهفته کشف و در راستای اهداف حکومت به کار گرفته شوند. گرچه نمونه‌هایی همچون اللهوردیخان و امامقلی‌خان و مواردی از این دست در قالب کاربست نیروی سوم به‌طور مکرر در منابع بازتاب یافته، اشاره به دو مورد می‌تواند قابل توجه باشد. اولین مورد، ساروتقی، نانوآزاده‌ای از تبریز بود که کشف او توسط شاه‌عباس و اثبات کارآمدی‌اش او را تا بالاترین مناصب دیوانی حکومت صفوی حتی تا دوران جانشینان شاه‌عباس هم پیش برد (منشی، ۱۳۳۴: ۱۰۹۳/۲؛ خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۷۰؛ شاردن، ۱۳۳۵: ۸۰/۷-۷۶). نمونه دیگر، فردی بنام محمدعلی بود که مواجهه شاه‌عباس با او در کسوت چوپان باعث کشف استعداد و ارتقا او در نظام دیوانی همین دوره شد (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۱۲۱-۱۱۵).^۳ نمونه دیگر از این دست، گروه‌های حاشیه‌ای شهرنشین هستند که در منابع این عصر با عنوان «اجامره و اوباش» شناخته می‌شدند. این گروه‌ها به‌نوعی نظم و امنیت را در مناطق شهری تحت الشعاع رفتار خویش قرار داده بودند. اما شاه با شناخت بی‌واسطه از لایه‌های اجتماعی کارکرد این گروه را بهبود بخشیده و در جهت اهداف خود بهینه می‌کرد. شاه‌عباس «اکثر اجامره و اجلاف هر ولایت را که مردم جلد کارآمدنی بودند و همیشه در آن ولایت بیدولتی نموده عجزه و مساکین از بی‌عدالتی ایشان متضرر می‌گشتند در سلک تفنگچیان اشرف درآوردند که هم رعایا و عجزه بعدالیوم از شر ایشان ایمن باشند و هم در رکاب نصرت انتساب به خدمات قیام نموده و در معارک کارزار مکافات عمل یابند... ایشان جهت فتح قلاع و بلاد ضروری بود و فواید کلی بخشید.» (منشی، ۱۳۳۴: ۱۱۰۶/۳). بنابر این گفتار، هنر شاه‌عباس جلب اعتماد عناصر نادیده اجتماعی، تنوع در نفوذ در جامعه، ایجاد حس همدلی و کشف و به‌کارگیری ظرفیت مثبت آنها بوده‌است. شاید به‌همین خاطر است که دلاواله و برخی از دیگر سیاحان اروپایی آن عصر از حضور شاه‌عباس در اشعار و ترانه‌های محلی می‌گویند. از اعتقاد فوق العاده‌ای که مردم به وی دارند و هنگام قسم خوردن به نام او قسم می‌خورند. احتمالاً این جمله از دلاواله که «شاه‌عباس برای ملت نه‌تنها یک

شاہ کہ پدری دلسوز و مہربان است.» انعکاسی از رویکرد مثبت مردم بہ رفتار اجتماعی شاہ عباس اول بودہ است (دلوالہ، ۱۳۷۰: ۲۵-۱۷۱)۴.

اجرای بی قید و شرط عدالت اجتماعی

از دیگر رفتارهای شاہ عباس صفوی کہ در ادبیات عامہ نیز رخنہ کردہ است اجرای بی قید و شرط و بدون مسامحہ با خطاکاران است. این خاطیان یا از مأموران حکومت و یا از خود مردم عادی بودہ اند. نمونہ‌ای از آنکہ در بالا بہ آن اشارہ شد مجازات شدید نانوا و کباب پز کم فروش است. دستگیری دزدان شترهای آقا شاہ علی مستوفی در سال ۱۰۰۱ ه. ق. در تبریز و قطعہ کردن و در تنور انداختن آنها (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱-۱۲۰) نیز نمونہ‌ای از مجازات شدید خاطیان بودہ است. تختہ کلاہ کردن قاضی اصفہان «بہ سبب آنکہ در مبیعات جانب رعیت و عجزہ مسکین را از دست دادہ جانب دیوان گرفته بودند و اسناد موافق شرع شریف نوشته نشدہ بود.» و مجازات شدید حاکم (داروغہ) اصفہان پس از گزارش یک شیرفروش در باب زورستانی وی از مردم و قتل مشقت بار یکی از کارکنان بہ جرم تعرض بہ یک زن نیز در تداوم ہمین سیاست بودہ اند (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۵۲؛ شرلی، ۱۳۵۷: ۸۲-۹۰-۹۲). از تکرار مواردی از این دست می توان فہمید شاہ عباس صفوی در اجرای قوانین سخت گیرانہ قائل بہ تفاوت میان کارمندان اداری خود و رعایا نیز نبود. این رویکرد «... در آغاز دولت فواید کلی بخشیدہ و آوازہ سطوت و صلابتش در اطراف و اکناف منتشر گشتہ و دست ارباب جور و تعدی از گریبان آمال زیردستان کوتاہ گردیدہ.» (منشی، ۱۳۳۴: ۳/۱۱۰۵).

بخشی از روایات عامہ دربارہ شاہ عباس صفوی ناظر بہ ہمین بعد از شخصیت او یعنی سخت گیری در مراقبت از رعایت حال رعایا می باشد. فارغ از جایگاہ نویسنده تاریخ عالم آرا و گفتمان غالب تاریخ نگاری سنتی ایران، عبارت زیر در توصیف شاہ عباس می تواند، اگر نہ کاملاً مبتنی بر حقیقت، بازخوردی از واقعیت باورهای جامعہ آن زمان دربارہ شاہ فوق باشد. «عقیدہ‌ی مردم آن است کہ اگر کسی دروغ بہ آن حضرت گوید همان لحظہ منہیان غیب خبر می دهند و در مخیلہ ہیچ طراری خطور نمی کند کہ حکایتی کہ اندک شایبہ‌ی کذبی با آن باشد بہ آن حضرت عرض نمایند... و منہیان گماشتہ اند کہ از کماہی حالات خبر می دهند چنانچہ کسی را قدرت آن نیست

که در منزل خود با متعلقان حرفی که نتوان گفت بگوید و دغدغه‌ی آن هست که بمسامع جلال رسد و مکرراً این معنی سمت ظهور یافته. «(منشی، ۱۳۳۴: ۱۱۰۶/۳). این رویه ضمن افزایش امید در جامعه نسبت به حکومت، نوعی همدلی و حس اعتماد را نیز به دنبال داشت.

گشایش‌های روحی در قبال جامعه هدف

در قسمت قبل شخصیت شاه‌عباس شخصیتی قاطع در تنبیه و معروف به مجازات‌های خشن ارائه شد. او در کنار این وجه، با درک موقعیت، گشایش‌های خُلقی از خود بروز می‌داد به نحوی که در منابع بازتاب قابل توجهی یافته‌است. بر اساس یافته‌ها، بخشی از رفتار همدلانه او در میدان نبرد یعنی یک موقعیت فوق‌العاده سخت روی داده و کاربست آن چنان مؤثر بوده که در منابع بروز یافته‌است. در جنگ با شاهوردی‌خان در حالی که هوا گرم و کشنده بود برای همدلی با سپاهیان حاضر به نوشیدن آب خنک نشد و دستور داد تا برفی را که از قله کوه برای شاه آورده بودند به صورتی نمادین در رودخانه ریختند تا برای همه آب یخ فراهم شد (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۴۹۴؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۲۱-۳). در فتح گنجه نیز، «... نواب کلب آستان علی چند خیمه جهت سوخته‌ها بر در دولت خانه زدند و هر روز دو نوبت به دست مبارک خود به آن زخم‌ها مرهم می‌نهادند.» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۰۳). خوش‌رفتاری با اسرای ازبک، استقبال از گروه جلالیان که از عثمانی فرار کرده بودند، دلجویی از اسرای ازبک و بستن زخم پای آنها (منشی، ۱۳۳۴: ۶۱۳/۲ - ۷۷۲؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۳۶) نیز در تداوم همین رفتار در منابع اشاره شده‌اند. ناگفته پیداست چنین رفتاری در میانه نبرد تأثیر به سزایی در همدردی و همدلی به‌عنوان مولفه‌ای مهم در متن هوش هیجانی^{۱۵}، و در نتیجه افزایش موفقیت شاه داشته‌است.

وجه دیگر از گشایش‌های روحی شاه‌عباس در قبال جامعه در شخصیت مزاح گونه او در منابع تجلی یافته‌است. اسکندربیگ منشی در همین رابطه می‌گوید: «لطایف و ظرایف رنگین و سخنان دلپذیر و شیرین از آن حضرت بر سبیل ظرافت و خوش طبعی بسیار سر می‌زند.» (منشی، ۱۳۳۴: ۱۱۰۹/۳). سفیر آلمان که در دوره وی به ایران آمده در شرح دیدار شاه با سفیر اسپانیا به این نکته اشاره دارد که شاه به حدی با وی صمیمی است که موقع غذا خوردن با سفیر اسپانیا شوخی می‌کند (فن دریا بل، ۱۳۵۱: ۵۳-۶۱؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۶۵-۳۲۵ - ۳۶۶). البته آنچه در

منابع در همین رابطه نقل شده مزاح همراه با نوعی اندیشه‌ورزی و حکیمانه است. به زعم روانشناسان این سبک از طنز که فیلسوفانه و غیر خصمانه نیز هست به نوعی از نشانه‌های شخصیتی واجد هوش هیجانی و نمود خودشکوفایی فردی است (کیاروچی^{۱۶}، ۱۳۸۵: ۱۴۱). برای نمونه محمدطاهر نصرآبادی در تذکره خویش در شرح احوال میرمشرّب ولد میرحسین می‌گوید: «... وقتی میرحسین به خدمت شاه‌عباس ماضی وارد شده و تعریف میرمشرّب می‌کرده که طالب عالم صالحی است و از مغیرات حلال هم نچشیده و بند زیر جامه‌اش به حلال هم وانشده. شاه می‌فرماید که مگو پسری دارم، بگو کره خری دارم». نصرآبادی در جایی دیگر در شرح حال ملا عجزی تبریزی که به واسطه علی رضای خوشنویس داخل مجلس همایون شده زیاده‌گویی می‌کرد می‌گوید: «روزی در محوطه طویله قزوین حرف از به زر کشیدن ملا شانی در میان افتاد. ملا عجزی گفت: چرا مرا به زر نمی‌کشی که به از ملا شانیم؟ شاه می‌فرماید ملا شانی در خزانه بود، چون تو در طویله‌ای تو را با سرگین باید کشید.» در جایی دیگر نیز نقل است که ملا زمانی یزدی به خدمت او رسید که خواجه حافظ را جواب گفته‌ام. شاه فرمود که جواب خدا را چه خواهی داد؟» (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۱/۱۱-۱۱-۳۴۹-۴۴۰). بنا بر گزارش ملا جلال در ضمن وقایع سال ۱۰۱۳ ه. ق.، زمانی که صفویان در نبردی طولانی با عثمانیان و در موقعیت برتر قرار داشته‌اند سفیر عثمانی شرایط غیر متعارفی را برای انعقاد صلح مطرح می‌کند. شاه‌عباس در همان مجلس و در حضور همه در جوابی طنزگونه می‌گوید: «شکر خدای را که از ما احیای کشتگان نخواستند» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۷۴). همان‌طور که مشخص است سخنان شاه در متن روایات فوق نوعی پاسخ زیرکانه و صمیمانه به افراط مذهبی، گزافه‌گویی و خودستایی افراد در تعامل با او هستند. به قول دلواله سیاست او به نحوی است که «طرف را ناراضی می‌کند و در عین حال او را راضی روانه می‌سازد» (دلواله، ۱۳۷۰: ۳۲۸).

وجه آخر از رفتار اندیشیده شاه‌عباس صفوی در ساده زیستی و ساده پوشی با همشینیان خود بازتاب یافته‌است. سفیر آلمان و اسپانیا در همین رابطه می‌گویند که شاه برای غذا خوردن ساده و در کنار بقیه روی زمین می‌نشست. همچنین، بنا بر نقل سفیر آلمان، شاه چنان ساده‌پوش بود که مخاطب او را نمی‌شناخت. گزارش سفیر اسپانیا، فیگوئروا، نیز شاهدهی بر همین ساده‌پوشی

است (فن دریابل، ۱۳۵۱: ۵۱-۶۷؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۶۷). دلاواله نیز به نقل از سفیر اسپانیا از ماجرای می‌گوید که شاه‌عباس در جلسه دیدار با سفرا به شکلی صمیمانه سفیر تاتار را کمک می‌کند تا کفش‌هایش را درآورد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۳۲). نتیجه این بخش و بخش پیشین را به‌طور خلاصه می‌توان در عبارتی از تاریخ عالم‌آرای عباسی خلاصه نمود. «شاه» کمال حدت طبع و آتش مزاجی و قهاری و عظمت و شکوه و جلال و پادشاهی با نهایت ملایمت و همواری و درویش‌نهادی و بی‌تعینی جمع کرده‌اند «... (منشی، ۱۳۳۴: ۳/۱۱۰۷). به نظر می‌رسد جمله «آن حضرت را با هر طبقه آمیزش خاصی است و به اکثر لغات متعارف و غیرمتعارف عالم بوده به هرطایفه به لغت آن طایفه تکلم می‌فرمایند.» (منشی، ۱۳۳۴: ۳/۱۱۰۹) به‌نوعی اشاره به آن دارد که شاه‌عباس براساس شناخت درست از لایه‌ها و گروه‌های جامعه، با هر یک رفتاری اندیشیده و سازگار را بروز می‌دهد.

درک درست از دنیای پیرامون و کاربست آن

ایران در عهد شاه‌عباس صفوی دارای چند همسایه با سطح روابط متفاوت بود. خصمانه‌ترین روابط خارجی ایران با حکومت عثمانی بود که خود را در قالب جنگ‌های پیاپی نشان داد. در سطحی پایین‌تر از بکان بودند که گرچه در عصر شاه مذکور توان نظامی‌شان تحلیل رفته و همچون نیمه اول عصر صفوی مزاحمتی برای قلمرو ایران نداشتند با این حال تنش‌های نظامی همچنان پابرجا بود. روس‌ها هنوز به آن چنان قدرتی دست نیافته بودند که ایران را به‌طور جدی تهدید نمایند و هند فارغ از مساله قندهار، دارای روابط نسبتاً حسنه‌ای با ایران بود. در کنار این مسائل آنچه در آرایش قدرت در منطقه غرب آسیا در دوره مورد بحث مؤثر بود رویارویی‌های درازدامن دول اروپایی با حکومت عثمانی بود. وجود عثمانی به مثابه دشمن مشترک ایران و اروپا به‌علاوه عوامل اقتصادی، فرهنگی و مذهبی باعث گسترش روابط ایران و اروپا در این دوره شد. ردپایی از درک سپهر سیاسی- فرهنگی مطرح شده در رفتار شاه‌عباس صفوی در منابع قابل پیگیری است. در واقع رفتار او ناظر به وزن هرکدام از دول نزد دولت صفوی است. برای نمونه در مجلسی با حضور سفیر آلمان، شاه‌عباس یک اسیر ترک را گردن می‌زند. سفیر خیال می‌کند قربانی بعدی خودش است. شاه بدون کوچک‌ترین احساس و هیجانی این کار را انجام داد. اندکی بعد شاه

با تبسمی بر لب به‌جای خود نشست و رو به سفیر کرد و به او فهماند که اروپائیان هم باید با عثمانی‌ها همین‌طور رفتار کنند (فن دریابل، ۱۳۵۱: ۵۳).

در مورد دیگری نیز شاه به‌خوبی پیامی سیاسی را به حاضرین منتقل می‌کند. «شاه... سفیر [اسپانیا] را به گرمی پذیرفت و به وی گفت از اینکه با سلامت کامل رسیده‌است خوشحال است. آنگاه سلامتی شاه اسپانیا را جویا شد.» (فن دریابل، ۱۳۵۱: ۵۳-۶۱؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۶۵-۳۲۵-۳۶۶). شاه سفیر اسپانیا را عمداً زمانی بار می‌دهد که سفیر عثمانی رقیب اصلی آنها هم باشد تا بتواند دوستی خود با اسپانیا را به رخ سفیر عثمانی بکشد. در همین جلسه شاه با لحنی تمسخرآمیز همراه با خشم به سفیر عثمانی نگاه می‌کند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۷۰-۲۷۳). ترتیب آگاهانه همراهی و هم‌نشینی سفرا نزد شاه در همین دیدار بر مبنای میزان همگرایی یا واگرایی سیاسی، برای هر محقق معنادار می‌باشد. در کنار شاه به‌ترتیب سفیر دولت اسپانیا، گورکانی، عثمانی و ازبکان قرارگرفته‌اند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۳۶-۳۴۱-۳۴۳). علاوه بر این شاه به‌نوعی در تلاش است تا دانش خود در باب محیط پیرامون خود را افزایش دهد. در همین رابطه نصرالله فلسفی در کتاب زندگانی شاه‌عباس به نقل از آنتونیو دوگوا می‌گوید: «... چون به خدمت شاه رسیدم از من پرسید که چقدر راه پیموده‌ام. جواب دادم پنج‌هزار و پانصد لیو در دریا... شاه به اطرافیان خود گفت: اگر ما بر مردان پیروز می‌شویم اینان بر دریا و زمان غالب آمده‌اند. و باز پیوسته می‌کوشند که دایره قدرت خود را تا اقصی نقاط جهان وسعت دهند... ما به شاه‌عباس کتابی در شرح زندگانی حضرت عیسی تقدیم کردیم. شاه کتاب و تصاویر آن را به‌دقت ملاحظه کرد و از من خواست که برای هر تصویر توضیحی در حاشیه کتاب بنویسم تا بخواند... سپس به سؤالات گوناگون پرداخت.» (فلسفی، ۱۳۴۴: ۱۴۳/۲). در تداوم همین آگاهی سیاسی- فرهنگی، آزادی مذهبی و احترام به کتب مقدس مسیحیان و معاشرت صمیمانه با آنها به‌عنوان نمادی از اتحاد و ائتلاف با اروپاییان علیه دشمن مشترک و پیامدهای مثبت آن در منابع بازتاب چشم‌گیری داشته‌است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۶۳-۳۲۴؛ منشی، ۱۳۳۴: ۱۰۸۰/۳؛ شاردن، ۱۳۳۵: ۴۴۱/۲). بر همین مبناست که اسکندر بیگ منشی می‌گوید: «احوال پادشاهان ربع مسکون از مسلم و غیر مسلم و کیفیت و کمیت لشکر و دین و آیین و

مملکت ایشان و طرق و مسالک هر دیار و خرابی و آبادانی هر ولایت کما هو حقّه واقف و آشنا بوده طرح آشنایی با اکثر سلاطین عالم انداخته» (منشی، ۱۳۳۴: ۱۱۰۹/۳).

نتیجه درک درست او از معادلات زمانه که نشان‌گر هوش محیطی است را می‌توان در یکی از دیدارهایش با سفیر اسپانیا مشاهده نمود. سفیر اسپانیا در آخرین دیدار خود خواسته‌های تکراری و غیر متعارفی را بیان می‌کند. با تکرار خواسته توسط سفیر، شاه با زیرکی و ضمن تغییر فضای بحث، شروع به ستایش از عیسی مسیح و حضرت مریم می‌کند. آخر کار هم گفت سفیر هر چه شخصاً می‌خواهد بگوید. سفیر مایوس از خواست اصلی تقاضای مایحتاج سفر و مجوز ساخت کلیسا در ایران را می‌خواهد که شاه موافقت می‌نماید و در نهایت او را در کمال صمیمیت در آغوش می‌کشد. (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۶۸-۳۶۹). رفتار شاه بر مبنای همان توصیفی است که دلواله از او برای مخاطبان خود عرضه می‌کند. «[شاه] طرف را ناراضی می‌کند و در عین حال او را راضی روانه می‌سازد. حرف گوش می‌کند ولی گاهی اصلاً گوشش به هیچ حرفی بدهکار نیست» (دلواله، ۱۳۷۰: ۳۲۸). موارد بالا نشانه‌هایی از ویژگی‌هایی در مدل حکمرانی شاه‌عباس بود که بنابر شواهد مطرح شده در مبانی نظری پژوهش، می‌توانند ناظر به نهادینه شدن هوش هیجانی در شخصیت شاه بوده و او را در نیل به اهدافش در دوران جوانی یاری کرده باشند.

نتایج پژوهش:

مطالعات تاریخی براساس بررسی منابع دست اول دوره صفوی بر مبنای نظریه هوش هیجانی نشان می‌دهد مواردی همچون درک بی واسطه شاه‌عباس از جامعه و کشف عناصر نادیده و توجه به اجرای عدالت اجتماعی، گشایش روحی در قبال جامعه و درک درست از محیط مولفه‌هایی از تأثیر هوش هیجانی همچون استقلال شخصیت، شایسته‌سالاری، توانایی حل مساله، کنترل تکانه و هوش محیطی در اتخاذ مدل حکمرانی سیاسی توسط این شاه صفوی است. بر اساس بخشی از چارچوب نظری پژوهش که شکل‌گیری هوش هیجانی را مکتسب از دوران کودکی و نوجوانی فرد می‌دانست، می‌توان چنین گفت که شاه‌عباس صفوی در زمانه‌ای رشد کرد که ابتدای آن در مواجهه با جریانی کوتاه اما عمیق و معنادار بود و پایانش اوج‌گیری مجدد گفتمان نزاع؛ دوره حاکمیت شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده. مجموعه اقدامات شاه نخست با گفتمان رسمی

حکومت در ابعاد مختلف زاویه داشت و بیشتر همسو با خواست جامعه‌ای بود که گرچه صفویان را پایانی بر تشتت و آشفتگی قلمرو ایران تصور کرده‌بود، اکنون در تنش‌های قزلباشان، صوفیان و بعداً کارگزاران دربار صفویان آرمان‌هایش رنگ باخته‌بود. جنبش‌های دامنه‌دار اسماعیل‌میرزاها و دروغین واکنشی معنادار نسبت به شکست گفتمان عصر شاه اسماعیل دوم و استقرار مجدد گفتمان غالب صفویان بود.

عباس میرزا یا همان شاه‌عباس بعدی بر ساخته چنین نظم سیاسی-اجتماعی بود. او در دوران کودکی و نوجوانی هم دوران کوتاه مدت شاه اسماعیل دوم را درک کرده‌بود و هم دوران حاکمیت پدرش را که بازگشتی به نظم پیش از شاه اسماعیل دوم بود و پیروزی کنش‌گران نظم سابق. لذا کارگزاران این ساختار را به‌خوبی لمس کرده‌بود؛ چه زمان کودکی که به‌همراه پدرش در شهر هرات (دارالسلطنه) بود، چه آن زمان که در کودکی از پدر به‌دور افتاد، و چه در دوران نوجوانی و زمامداری از هم گسیخته پدرش. زیرا این وضعیت تنها مختص پایتخت نبوده و به‌عنوان امر غالب به‌کل قلمرو از جمله شهر دارالسلطنه هرات نیز تسری یافته‌بود. عباس میرزا و شخصیت او در چنین نظمی شکل گرفته‌بود تا برای بحران‌های خود در زمان زمامداری پاسخی درخور و مناسب اتخاذ نماید. او بر اساس همین شناخت عامل مهم تنش‌های کودکی و نوجوانی خود را قزلباشان و صوفیان می‌داند. او می‌دانست آنها نقش مؤثری در عقیم گذاشتن رویکردهای شاه اسماعیل دوم و تقلیل جایگاه پادشاهی پدرش داشتند. لذا حذف آنها و بهره‌گیری از نیروی سوم و اتخاذ رویکرد شایسته‌سالاری را در متن حاکمیت خویش قرار می‌دهد در عین حال او نیاز جامعه خویش را از طریق مراجعه به حوادث دوران پیشینیان خود، شناخته و سعی در حرکت در مسیری دارد که به‌نوعی گذار از واگرایی و حرکت به‌سوی همگرایی است. در واقع او با شناخت خود و هیجان‌هایش به سطحی از آگاهی دست یافته‌بود که قدرت درک هیجان و خواست جامعه خود را داشت. در پی این شناخت، او توانست هیجان‌های جامعه خویش را به‌نحوی مدیریت نماید که بر مشکلات متنوع خود فائق آید. بر این اساس عصر کودکی و نوجوانی این شاه، زمینه شکل‌گیری الگوی موفق حکمرانی با توجه به الگوی نظری پژوهش بود.

به این ترتیب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که شاه‌عباس اول توانست خاطره جمعی جامعه خویش از وجه مثبت دوران شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده را کشف، بازتولید و در جهت مدیریت و پیشبرد اهداف خویش به کارگیرد. منابع بازشناخت او نیز رویکردهای شاه اسماعیل دوم و انعکاس اجتماعی آن رفتارها در دوره پدرش شاه محمد خدابنده بودند. به طوری که تداوم این رفتار اندیشیده سیاسی را می‌توان ملاحظه نمود. هر چند در منابع عصر صفوی به نحوی تلاش شده‌است تا این الگوپردازی شاه‌عباس اول از حیات شاه اسماعیل دوم و جنبش‌های اسماعیل‌میرزاهای دروغین که نماد خواست توده‌ها بود مخفی بماند، مجموعه کنش شاه‌عباس و مقایسه آن با رفتارهای همه‌جانبه شاه اسماعیل دوم، که انعکاس خواست عمومی بود و نه لزوماً خواست شاه، نشان می‌دهد موفقیت وی در جایگاه پادشاه در گرو بازتولید مقبولیت عمومی بود که مهم‌ترین ابزار آن فهم درست و دقیق و همه‌جانبه شاه‌عباس از جامعه خویش بود.

پی‌نوشت:

^۱ Thomas Carlyle

^۲ Georgi Valentinovich Plekhanov

^۳ Georg Wilhelm Friedrich Hegel

^۴ Karl Heinrich Marx

^۵ Intelligence Quotient

^۶ Emotional Quotient

^۷ John Mayer

^۸ Harry elder

^۹ Hein Steve

^{۱۰} برای فهم نظریات مختلف در باب مولفه های هوش هیجانی ر.ک: کیاروچی، ۱۳۸۵: ۳۳-

۳۵، فاطمی، ۱۳۸۵: ۷

^{۱۱} Travis Bradberry.

^{۱۲} خانم نسیم خلیلی نیز در کتاب «گفتمان نجات بخشی در ایران عصر صفوی» ضمن آنکه

این پدیده را در قالب بخشی از جریان نجات بخشی در این دوره بررسی می‌نماید، بر همین

دیدگاه تاکید دارد که این جنبش‌ها در ارتباط با یکدیگر بوده‌اند. ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۲: ۲۵۱.

^{۱۳} برای نمونه‌های بیشتر در این زمینه ر.ک: فلسفی، ۱۳۴۴: ۹۱/۲-۱۱۰.

^{۱۴} همچین نک: رازنہان و عابدینی، ۱۳۹۵: ۵۹-۷۷.

^{۱۵} ہمدردی بہ معنای آگاہ بودن و فہمیدن ہیجانات دیگران، ر.ک: کیاروچی، ۱۳۸۵: ۱۴۲.

^{۱۶} Joseph Ciarrochi

^{۱۷} برای نمونہ‌هایی از این طنزہای زیرکانہ شاه ر.ک: منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۹۹-۳۳۸.

منابع و مطالعات

- شرلی، آنتونی (۱۳۵۷). *سفرنامہ برادران شرلی*. ترجمہ آوانس. تہران: منوچہری.
- استیو، ہین (۱۳۸۴). *ہوش ہیجانی برای ہمہ*. ترجمہ رؤیا کوچک‌زادہ و مژگان موسوی شوشتری. تہران: نشر تجسم اخلاق.
- الدر، ہر (۱۳۸۲). *چگونہ ہوش خود را افزایش دہید*. ترجمہ فرشاد نجفی پور. تہران: نشر نسل نواندیش.
- افوشتہ‌ای نطنزی، محمود بن ہدایت‌اللہ (۱۳۷۳). *نقاوہ الآثار فی ذکرالاحیاء در تاریخ صفویہ*. بہ اہتمام احسان اشراقی. تہران: نشر علمی و فرہنگی.
- برادبری، تریوس و گریوز، جین (۱۳۷۸). *EQ چیست و چرا مہمتر از IQ است*. تہران: نو اندیش.
- پلخانف، گئورگ (۲۵۳۷). *نقش شخصیت در تاریخ*. ترجمہ شہرام کامکار. تہران: انتشارات مہر.
- تاورنیہ، ژان باتیست (۱۳۶۶). *سفرنامہ تاورنیہ*. ترجمہ ابوتراب نوری. بہ اہتمام حمید شیرانی. تہران: سنائی و تأیید.
- حسینی جنابدی، میرزا بیگ (۱۳۷۸). *روضہ الصفویہ*. بہ کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تہران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین حسین (۱۳۶۳). *خلاصہ التواریخ*. تصحیح احسان اشراقی. تہران: دانشگاه تہران.
- حنیف، محمد (۱۳۸۷). «تحلیلی بر قصہ‌های شفاهی مربوط بہ شاه‌عباس صفوی». *فصلنامہ فرہنگ مردم/ایران*. شمارہ ۱۵، صص ۶۱-۷۵.
- خلیلی، نسیم (۱۳۹۲). *گفتمان نجات بخشی در ایران عصر صفوی*. تہران: علم و فرہنگی.
- خواجگی اصفہانی، محمد معصوم (۱۳۶۸). *خلاصہ‌السییر*. تہران: علمی.

- دل‌واله، پیتر (۱۳۷۰). *سفرنامه دلاواله*. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- ذهابی، مجتبی، الهیاری، فریدون و کجباف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). «تحلیلی بر بازتاب چرایی و چگونگی ابعاد و اعمال وجوه قدرت سیاسی شاه‌عباس در روایت‌های سفرنامه نویسان عصر صفوی»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، دوره ۱۳، شماره ۲۵، صص ۴۷-۶۶.
- رازنهان، محمد حسن و عابدینی مغانکی، مریم (۱۳۹۵). «اجامره و اوباش و حکومت شاه‌عباس اول صفوی، همگرایی‌ها و واگرایی‌ها»، *فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. سال ششم، شماره اول، صص ۵۹-۷۷.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). *احسن‌التواریخ*. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- سیوری، راجر (۱۳۸۰). *در باب صفویان*، ترجمه رمضان علی روح‌الهی. تهران: مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵). *سفرنامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیر کبیر.
- طهماسبی، ساسان (۱۳۹۷). «بررسی تحرک اجتماعی و شایسته‌سالاری در دوره صفویه»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۵۵-۱۹۲.
- فاطمی، سید محسن (۱۳۸۵). *هوش هیجانی*. تهران: سارگل.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۴). *زندگانی شاه‌عباس*. تهران: دانشگاه تهران.
- فن دریا بل، ژرژ تکتاندر (۱۳۵۱). *ایتروپرسیکیوم «گزارش سفارت به دربار شاه‌عباس اول»*. ترجمه محمود تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فیگوئروا، دن گارسیا داسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه فیگوئروا*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- کار، ادوارد حالت (۱۳۷۸). *تاریخ چیست*. ترجمه حسن کامشاد. تهران: خوارزمی.
- کیاروچی، جوزف و دیگران (۱۳۸۵). *هوش هیجانی در زندگی روزمره*. ترجمه جعفر نجفی زند. نشر سخن: تهران.
- گلمن، دانیل و همکاران (۱۳۹۱). *هوش هیجانی در مدیریت و رهبری سازمانی*. ترجمه بهمن ابراهیمی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- گلمن، دانیل (۱۳۸۹). *هوش هیجانی*. ترجمه نسرین پارسا. تهران: انتشارات رشد.
- مشبکی، اصغر و تیزرو، علی (۱۳۸۸). «تأثیر هوش هیجانی و هوش فرهنگی بر موفقیت رهبران در کلاس جهانی». *پژوهش‌های مدیریتی*. شماره سوم، صص ۵۲-۷۳.

منجم یزدی، ملا جلال‌الدین (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید.

منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸). جواهر الاخبار. به کوشش محسن بہرامیان. تهران: میراث مکتوب.

منشی، اسکندر بیگ (۱۳۳۴). تاریخ عالم‌آرای عباسی. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیر کبیر و کتاب‌فروشی تایید اصفهان.

نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸). تذکرہ نصرآبادی. به تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.

والہ اصفہانی، محمد یوسف (۱۳۷۲). خلد برین. به کوشش میر ہاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

منابع انگلیسی

Newman, Andrew j (2006). Safavid Iran. (Rebirth of a Persian Empire). London: I.B Tauris.

References and Bibliography

- Shirley, Anthony (1979), Shirley brothers' travelogue, translated Avance, Tehran: Manochehri: [in Persian]
- Steve, Hin (2005), Emotional intelligence for everyone, Translated Roya Kouchzadeh and Mozghan Mousavi Shushtri, Tehran: Tajassom Akhlagh: [in Persian]
- Elder, Harry (2003), How to increase your intelligence, Translated Farshad Najafipour, Tehran: Nesl Navandish Publishing: [in Persian]
- Afoushtei Natanzi (1994), Niqawah al-Asar fi Zikr al-Akhyar in Safavid history, To the attention of Ehsan Eshraghi, Tehran: Elmi- farhangi Publishing: [in Persian]
- Bradbury, Terios and Graves, Jane (1999), What is EQ and why is it more important than IQ? Translated Hadi Ebrahimi, Tehran: No Andish: [in Persian]
- Plekhanov, Georg (1978), On the Question of the Individual's Role in History, Translated Shahram Kamkar, Tehran: Mehr Publishing: [in Persian]

- Tavernier, Jean Baptiste (1987), *Travelogue of Tavernier*, Translated by Abu Torab Nouri, To the attention of Hamid Shirani, Tehran: Sanaei and Taeed: [in Persian]
- Hosseini Janabadi, Mirza Beig (1999), *Rouza al-Safavieh*, To the attention of Gholamreza Tabatabai Majd, Tehran: Mahmoud Afshar Endowment Foundation: [in Persian]
- Hosseini Qomi, Qazi Ahmed ibn Sharaf Al din Hossein (1984), *Kholasa Al Tavarikh*, Corrected by Ehsan Eshraghi, Tehran: University of Tehran: [in Persian]
- Hanif, Mohammad (2008), "An analysis of oral stories related to Shah Abbas Safavi", *Iranian People's Culture Quarterly*, No, 15, pp, 61-75: [in Persian]
- Khalili, Nasim (2013), *Salvation discourse in Safavid Iran*, Tehran: Elmi-farhangi: [in Persian]
- Khajegi Esfahani, Mohammad Masoom (1989), *Kholasa Al-Siar*, Corrected by Iraj Afshar, Tehran: Elmi: [in Persian]
- Della Valle, Pietro (1991), *Della Valle's travelogue*, Translated by Shua Al-din Shafa, Tehran: : Elmi- farhangi:[in Persian]
- Zahabi, Mojtaba, Allahyari, Fereiydoun and Kajbaf, Ali Akbar (2019), "An analysis of the reflection of why and how the dimensions and aspects of Shah Abbas's political power are applied in the narratives of Safavid travelogue writers", *Journal of Historical Research of Iran and Islam*, Volume 13, Issue 25 - Serial Number 25 January 2019, pp 47-66:[in Persian]
- Raaznahan, Mohammad Hassan, Abedini Moghanaki, Maryam(2016), "Ajamareh and Hooligans during First Shah Abbas Reign: Convergences and Divergences", *Journal of Social History Research*, Volume ۶, Issue ۱ - Serial Number 11 April 2016, pp 55-72:[in Persian]
- Romelu, Hasan Beig (2005), *Ahsan al-Tawarikh*, Edited by Abd al-Hossein Navaei, Tehran: Asatir: [in Persian]
- Savory, Roger (2001), *About the Safavids*, translated Ramadan Ali Roohollahi, Tehran: Markaz:[in Persian]
- Chardin, Jean (1956), *Chardin's travelogue*, Translated Mohammad Abbasi, Tehran: Amir Kabir: [in Persian]
- Sasan Tahmasbi(2018), "A Study of Social Mobility and Meritocracy in the Safavid Era (By Emphasizing on the Vizierate)", *Journal of Historical Studeis of Islam*, Volume 10, Issue 37, pp155-192:[in Persian]
- Fatemi, Seyyed Mohsen (2006), *Emotional Intelligence*, Tehran: Sargol:[in Persian]

- Falsefi, Nasrullah (1965), The life of Shah Abbas, Tehran: University of Tehran: [in Persian]
- Tectander von der Jabel, Georges (1972), Iterpersicium "Embassy report to the court of Shah Abbas I", Translated Mahmoud Tafazzoli, Tehran: Bnyad e Farhang Iran: [in Persian]
- Figueroa, García de Silva (1984), Figueroa's travelogue, Translated Gholamreza Samiei, Tehran: now Publication: [in Persian]
- Carr, Edward Hallett (1999), What is history? Translated Hasan Kamshad, Tehran: Khaarazmi publishing co: [in Persian]
- Chiarucci, Joseph and others (2006), Emotional intelligence in everyday life, Translated Jafar Najafi Zand, Tehran: Sokhon Publishing: [in Persian]
- Golman, Daniel and colleagues (2016), Emotional intelligence in organizational management and leadership, Translated Bahman Ebrahimi, Tehran: Publications of Industrial Management Organization: [in Persian]
- Golman, Daniel (2010), Emotional Intelligence, Translated by Nasrin Parsa, Tehran: Roshd Publications: [in Persian]
- Moshbaki, Asghar and Tizrou, Ali (2009), "Effect of emotional intelligence and cultural intelligence on the success of world-class leaders", Management research, Third issue, pp, 52-73:[in Persian]
- Monajjem Yazdi, Molla Jalaluddin (1987), Tarikh Abbasi or Rooznameh Mollah Jalal, Corrected by Saifollah vahidnia, Tehran: Vahid: [in Persian]
- Monshi Qazvini, Bodagh (1999), Jawaher al Akhbar, Corrected by Mohsen Bahramian, Tehran: Miras maktoob: [in Persian]
- Monshi, Iskandar Beig (1955), Tarikh e Alamaraye Abbasi, Corrected by Iraj Afshar, Tehran: Amir Kabir and Isfahan bookstore of taeid:[in Persian]
- Nasrabadi, Mohammad Tahir (1999), Nasrabadi Tezkire, Edited by Mohsen Naji Nasr Abadi, Tehran: Asatir: [in Persian]
- Vale Isfahani, Mohammad Yoosef (1993), Khold e Barin, Mir Hashim Mohhaddes, Tehran: Mahmoud Afshar Endowment Foundation: [in Persian]
- Newman, Andrew j (2006), Safavid Iran, (Rebirth of a Persian Empire), London: I, B Tauris,